

فساد، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد:

تحلیلی نظری و تجربی*

دکتر زهرا علمی**

علی صیادزاده***

چکیده:

فساد اقتصادی از پدیده‌های ناهنجار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بررسی عوامل اثرگذار بر پدیده فساد و همچنین آثار فساد بر کارکرد اقتصاد کلان از موضوعات مورد توجه در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌آید. در این نوشتار، نخست به ریشه‌های فساد و بررسی‌های انجام شده درباره پیوند فساد با شاخصهای اقتصادی می‌پردازیم و نیز این شاخص را در کنار دیگر شاخصهای اثرگذار بر آن برای دیگر کشورها از دید آماری تحلیل می‌کنیم. همچنین، بر این پایه، پیوند شاخص فساد اقتصادی با شاخصهایی همچون رشد اقتصادی، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد نیز مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌گیرد.

۱- پیشگفتار:

امکانات و اختیاراتشان برای به‌دست آوردن منافع شخصی از نهادهای خصوصی به کار برده شده است. از دید منتسکیو^۱، فساد یک سامانه سیاسی خوب و درست را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. فساد اداری و همچنین فساد مالی مترادف با فساد اقتصادی است. در سالهای گذشته، بویژه از دهه ۱۹۹۰ بدین سو، پدیده فساد و آثار و پیامدهای آن بر کارکرد اقتصاد توجه

فساد در معنای گسترده‌اش عبارت است از بهره‌گیری نادرست از اختیارات در راستای منافع شخصی. مقوله «فساد اقتصادی» از سده هفدهم به این سو در مورد بهره‌گیری کارکنان دستگاههای دولتی از

* این نوشتار بر گرفته از پایان نامه دکتری علی صیادزاده به راهنمایی دکتر زهرا علمی است.

** عضو هیأت علمی دانشکده علوم اقتصادی و اداری

*** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مازندران

۲- ریشه‌های فساد اقتصادی

پیش از بررسی مهمترین عوامل اثرگذار بر سطح فساد، لازم است تعریفی از این پدیده به دست داده شود. بانک جهانی تعریفی ساده و پذیرفتنی از فساد دارد. از دیدگاه بانک جهانی فساد عبارت است از بهره‌گیری از امکانات دولتی برای رسیدن به منافع شخصی؛ گرچه بهره‌گیری از امکانات دولتی همیشه برای تأمین منافع یک فرد خاص نیست، بلکه در راستای منافع یک حزب، طبقه، طایفه، دوستان و آشنایان، خانواده و... است. در واقع در بسیاری از کشورها فرایند فساد در راستای تأمین مالی فعالیت حزبهای سیاسی صورت می‌گیرد. (Tanzi, 1998) البته از این تعریف نباید چنین برداشت شود که فساد در فعالیت‌های بخش خصوصی وجود ندارد، بویژه در سازمانها و بنگاههای بزرگ اقتصادی خصوصی.

گرچه بر پایه تعریف بالا، فساد با فعالیت دستگاههای دولتی و بویژه انحصارات دولتی پیوند دارد، ولی همان گونه که پیشتر گفته شد، فساد در بخش خصوصی هم دیده می‌شود. بر سرهم، بهترین راهکار برای

○ فساد بر سرهم یک پدیده ناهنجار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در همه جوامع به اندازه‌های متفاوت وجود دارد و در سایه شرایط ویژه و مساعد گسترش می‌یابد. گستره این پدیده ناهنجار در جوامع گوناگون، بسته به توسعه اجتماعی و اقتصادی و اثربخشی ارزشهای اخلاقی، مذهبی و فرهنگی در آنها، متفاوت است. در سایه فساد اقتصادی نه تنها عدالت و حقوق شهروندان پایمال می‌شود، بلکه فرایند رشد و توسعه زیان می‌بیند و بسیاری از متغیرهای اقتصادی همچون تورم، بیکاری، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... می‌تواند از این پدیده اثر پذیرد.

بسیاری از کارشناسان را به خود جلب کرده است. گسترش اطلاعات، افزایش دموکراسی و آزادی در کشورها، سربرآوردن رسانه‌های پویا، افزایش ارتباطات کشورها با یکدیگر در چارچوب جهانی شدن و نقش رو به افزایش سازمانهای غیردولتی مانند سازمان شفافیت (TI) و نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در شناساندن پدیده فساد و کوشش در برخورد با آن، اعتماد بیشتر به بازار در تصمیم‌گیریهای اقتصادی و نیاز به محیط رقابتی سالم برای رسیدن به کارایی اقتصادی، از مهمترین عوامل توجه روزافزون به پدیده فساد است.

فساد مالی و اداری پدیده‌ای تازه نیست و پیشینه‌ای به اندازه پیشینه دولت و خزانه دارد. در نوشته‌ای از «آرتاشاسترا» نوشته کائوتیلیا (وزیر اعظم پادشاه در هند باستان)، در کمابیش ۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح آمده است: «همانطور که غیر ممکن است عسل یا سمی را که در نوک زبان است نجشید، غیر ممکن است کسی هم با خزانه پادشاه سروکار داشته باشد ولی از آن بر ندارد». از این دیدگاه، نه تنها فساد به اندازه دولت و خزانه پیشینه دارد، بلکه همه کارکنان دستگاههای دولتی در معرض فساد مالی هستند.^۲

فساد بر سرهم یک پدیده ناهنجار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در همه جوامع به اندازه‌های متفاوت وجود دارد و در سایه شرایط ویژه و مساعد گسترش می‌یابد. گستره این پدیده ناهنجار در جوامع گوناگون، بسته به توسعه اجتماعی و اقتصادی و اثربخشی ارزشهای اخلاقی، مذهبی و فرهنگی در آنها، متفاوت است. در سایه فساد اقتصادی نه تنها عدالت و حقوق شهروندان پایمال می‌شود، بلکه فرایند رشد و توسعه زیان می‌بیند و بسیاری از متغیرهای اقتصادی همچون تورم، بیکاری، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... می‌تواند از این پدیده اثر پذیرد. از سوی دیگر، فساد خود از عواملی چند مایه می‌گیرد که شناخت و بررسی آنها برای جلوگیری و کاستن از دامنه این پدیده لازم است.

از آنجا که این پدیده از مهمترین موانع پیشرفت و رشد اقتصادی کشورهای رو به توسعه شمرده می‌شود، لزوم ریشه‌یابی و برخورد با آن سخت احساس می‌شود.

کوتاه به دست آورند. گفتنی است که گاهی این قوانین و مقررات برای جلوگیری از زیانهای اجتماعی فعالیتهای اقتصادی وضع شده است. برای نمونه، قوانین مربوط به محیط زیست که برای پاک نگهداشتن محیط زیست وضع شده است. در چنین مواردی، گرچه جامعه سختگیری سخت و سختگیری کارگزاران را می پذیرد، ولی باز فساد در همین زمینه هم دیده می شود. در واقع، اگر زمینه فساد در جامعه فراهم باشد، این قوانین به سادگی زیر پا گذاشته می شود و کارایی خود را از دست می دهد. (TI, 2005)

ب- مالیات:

نظام و قوانین مالیاتی روشن و شفاف که اجرای آن نیازمند گفتگو و چانه زنی مالیات دهندگان با ارزیابان مالیاتی نباشد، به فساد کمتری می انجامد؛ ولی چنانچه قوانین و مقررات مالیاتی پیچیده و پراکنده باشد و آنها را به سختی بتوان تفسیر کرد، مالیات دهندگان و ارزیابان به گونه ای با هم به چانه زنی می پردازند و در بسیاری موارد مالیات دهندگان در سایه رشوه دهی مالیات کمتری می پردازند یا یکسره از زیر بار آن شانه خالی می کنند. این وضع هنگامی که سطح درآمد رسمی ارزیابان مالیاتی پایین باشد، بیشتر پیش می آید. (Tanzi, 1998)

پ- هزینه های دولت برای پروژه های سرمایه گذاری:

اختیارات برخی از کارمندان بلندپایه در واگذاری پروژه های سرمایه گذاری عمومی، می تواند در سایه فساد، هزینه های کار را از لحاظ مقدار افزایش دهد و از جهت ترکیب دگرگون سازد؛ بویژه هنگامی که اجرای پروژه های دولتی فرصتی برای برخی کسان یا گروه های سیاسی فراهم می آورد تا از پیمانکاری که برای اجرای این پروژه ها برگزیده می شوند، چیزی دریافت کنند. این وضع بهره وری چنین پروژه هایی را کاهش می دهد و سبب می شود که در گزینش طرح های سرمایه گذاری واقعیتهای عینی و معیارهایی مانند تحلیل هزینه - فایده مورد توجه قرار نگیرد. (Tanzi and Dovoadi, 1997)

ت- فراهم کردن کالاها و خدمات با بهایی کمتر از بهای بازار:

در برخی از کشورها، دولتها به دلایل اجتماعی و

○ بانك جهانی تعریفی ساده و پذیرفتنی از فساد دارد. از دیدگاه بانك جهانی فساد عبارت است از بهره گیری از امکانات دولتی برای رسیدن به منافع شخصی؛ گرچه بهره گیری از امکانات دولتی همیشه برای تأمین منافع يك فرد خاص نیست، بلکه در راستای منافع يك حزب، طبقه، طایفه، دوستان و آشنایان، خانواده و... است.

جلوگیری از فساد این است که دستگاههای دولتی در آیین و روشهای کاری خود بازنگری کنند و بدین سان زمینه های مساعد برای فساد را از میان ببرند.

در این بخش به مهمترین عواملی می پردازیم که می تواند پدیدآورنده فساد در جوامع گوناگون باشد. این عوامل در هفت بخش دسته بندی شده و بیشتر آنها در ارتباط با دولتهاست.

الف- قوانین و مقررات و پروانه ها:

در بیشتر کشورها، بویژه کشورهای رو به توسعه، نقش دولت از راه وضع و اجرای قوانین نمایان می شود، به گونه ای که برای دست زدن به هر کار تولیدی و خدماتی نیاز به گرفتن انواع گواهینامه و پروانه و... است. سرمایه گذاری، پرداختن به بازرگانی خارجی، به دست آوردن ارزهای خارجی، ساختن خانه، باز کردن فروشگاه، رفتن به سفرهای برون مرزی و... در گرو گرفتن گواهینامه ها و پروانه های ویژه است که دستگاههای دولتی صادر می کنند. بدین سان، کارمندی که باید گواهیها و پروانه ها را صادر کنند، قدرتی چشمگیر می یابند و می توانند به بهانه های گوناگون، از دادن پروانه خودداری کنند یا ماهها و حتی سالها کار را عقب اندازند و چه بسا از این قدرت برای گرفتن رشوه از کسانی که به این پروانه ها و گواهیها نیاز دارند، بهره جویند.

سختگیری کارمندان در دادن پروانه ها و دیوانسالاری متمرکز، برخی از شهروندان را وادار می سازد تا با پرداخت رشوه، این پروانه ها در زمانی

مهمترین عامل تعیین میزان فساد است؛ اما همچون مورد پیشین، ممکن است تنها شمار کارهای فساد آلود را کاهش دهد و به سنگین تر شدن رشوه‌های مورد درخواست بینجامد. همچنین، قضاتی که مجازات‌ها را تعیین می‌کنند، ممکن است خود گرفتار فساد باشند. بنابراین هنگامی که خود آنان در معرض اتهام باشند، در راه مبارزه با فساد مانع تراشی می‌کنند. از این رو، نقش مجازات‌ها در بسیاری از کشورها، بویژه هنگامی که انگیزه‌های سیاسی وجود داشته باشد، کم‌رنگ می‌شود. (Tanzi, 1998)

چ- وجود منابع طبیعی:

کشورهای دارای منابع بزرگ مواد خام و کانی، زمینه مساعدتری برای فساد دارند؛ زیرا این منابع فرصتهایی برای کارکنان در دستگاهها پدید می‌آورد که از رانت‌های مربوط بهره‌گیرند و پیامد رفتارشان به دیگر بخشهای جامعه نیز منتقل شود. علت وجود رانت در این موارد، هزینه به نسبت پایین استخراج این منابع طبیعی در برابر بهای فروش به نسبت بالای مواد استخراج شده در بازار است. از آنجا که فعالیت در این بخش‌ها بیشتر در

○ نظام و قوانین مالیاتی روشن و شفاف که اجرای آن نیازمند گفتگو و چانه‌زنی مالیات دهندگان با ارزیابان مالیاتی نباشد، به فساد کمتری می‌انجامد؛ ولی چنانچه قوانین و مقررات مالیاتی پیچیده و پراکنده باشد و آنها را به سختی بتوان تفسیر کرد، مالیات دهندگان و ارزیابان به گونه‌ای با هم به چانه‌زنی می‌پردازند و در بسیاری موارد مالیات دهندگان در سایه رشوه‌دهی مالیات کمتری می‌پردازند یا یکسره از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند. این وضع هنگامی که سطح درآمد رسمی ارزیابان مالیاتی پایین باشد، بیشتر پیش می‌آید.

سیاسی کالاها و خدماتی با بهای کمتر از ارزش بازار عرضه می‌کنند. این کار، گاهی در چارچوب کنترل قیمت‌ها نیز صورت می‌گیرد. برای نمونه، ارزهای خارجی، برق، آب، خانه‌های دولتی، برخی از کالاهای کوپنی، دستیابی به امکانات آموزشی و بهداشتی، دستیابی به زمینهای عمومی و... از مواردی است که دولت‌ها در کشورهای گوناگون با بهایی پایین از بهای بازار فراهم می‌کنند که گاهی به علت عرضه محدود، جیره‌بندی این دست کالاها و خدمات گریزناپذیر است. بنابراین انگیزه‌هایی پدید می‌آید که افراد یا گروهها با پرداخت رشوه به کارمندان تلاش کنند سهم ناعادلانه‌ای از این کالاها و خدمات به دست آورند. (Mauro, 1997)

ث- سطح دستمزدها در بخش دولتی:

«ودر» و «ریچکم» ارتباط میان سطح دستمزد و شاخص فساد را به گونه‌ی تجربی بررسی کرده‌اند. از دید آنان، گرچه افزایش دستمزدها می‌تواند فساد را کاهش دهد، اما مقدار این افزایش باید چنان چشمگیر باشد که بتواند فساد را به کمترین اندازه برساند. به سخن دیگر، مبارزه با فساد، تنها از راه بالا بردن دستمزدها در بخش دولتی، بسیار گران تمام می‌شود. برای نمونه، آسار لیندبک فساد پایین در سوئد را به دستمزدهای بالای کارمندان نسبت می‌دهد، زیرا دستمزدهای کارمندان در آن کشور ۱۲ تا ۱۵ برابر میانگین دستمزد کارگران در بخش صنعتی است. هر چند با وجود دستمزدهای بالا هم ممکن است برخی از کارکنان در دستگاهها آلوده به فساد شوند. به سخن دیگر، گرچه افزایش دستمزدها دامنه کارهای فساد آلود را کاهش می‌دهد، اما ممکن است مایه درخواست رشوه‌های بالاتر شود، زیرا دستمزد بالا هزینه از دست رفتن کار فرد را افزایش می‌دهد. بنابراین افزایش دستمزدها در بخش دولتی گرچه شمار کارهای فساد آلود را کاهش می‌دهد، ولی همواره حجم رشوه‌هایی را که درخواست می‌شود، پایین نمی‌آورد. (Tanzi, 1998)

ج- نظام قضایی:

از دید تئوریک، فساد می‌تواند بر اثر افزایش کیفیت کسانی که دست به کارهای فساد آلود می‌زنند، کاهش یابد. بر پایه این تحلیل، ساختار قضایی در یک کشور،

می تواند زیانبار باشد جامعه‌ای با دیوانسالاری بیش از اندازه متمرکز و انعطاف ناپذیر است. بنابراین، در چنین جوامعی، برای رهایی از قوانین دست و پاگیر دولتی، در زندگی اقتصادی دست به کارهایی می‌زنند که به فساد در جامعه می‌انجامد.

ولی تاکنون شواهد تجربی از این بررسیهای تئوریک پشتیبانی نکرده است و این ایده در برابر بررسیهای تجربی گوناگون که گویای اثر منفی فساد بر نرخ رشد اقتصادی است، شکست خورده است. در واقع، هنگامی که دامنه فساد در میان کارمندان گسترده نباشد، سرمایه‌گذار می‌تواند با پرداخت رشوه‌ای به نسبت اندک، از رعایت قوانین طفره رود. پس طبیعی به نظر می‌رسد که فساد چرخهای حرکت اقتصادی را باصلاح روغن کاری کند و با افزایش یافتن فعالیت‌های اقتصادی، رشد اقتصادی پدید آید؛ گرچه دامنه‌دارتر شدن فساد باعث می‌شود که کارمندان توان چانه‌زنی پیدا کنند، رشوه‌ها سنگینتر شود و در سایه سنگ‌اندازیهای اداری در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید، سرانجام روند رشد اقتصادی کند شود. بسیاری از پژوهشگران نیز به بررسی عواملی که بر سطح فساد در کشورها اثر می‌گذارد پرداخته‌اند. برای نمونه، «آدز» و «دیتلا» (۱۹۹۹) نشان می‌دهند که در کشورهایی که از بنگاههای داخلی پشتیبانی شده، فساد بیشتر بوده است. «مهلکوپ» و «گراف» (۲۰۰۳) ارتباط میان آزادی اقتصادی و سطح فساد در کشور را نشان داده‌اند. «ودر» و «بروتتی» (۲۰۰۳) نوشته‌اند که آزادی مطبوعات با سطح فساد ارتباط منفی دارد. «ودر» و «ومریکگمن» (۲۰۰۱) نشان داده‌اند که بالاتر بودن دستمزدهای دولتی

○ «ودر» و «ریچکم» ارتباط میان سطح دستمزد و شاخص فساد را به گونه‌ی تجربی بررسی کرده‌اند. از دید آنان، گرچه افزایش دستمزدها می‌تواند فساد را کاهش دهد، اما مقدار این افزایش باید چنان چشمگیر باشد که بتواند فساد را به کمترین اندازه برساند.

چارچوب قوانین بسیار سختگیرانه دولتی صورت می‌پذیرد، رفتارهای رانت‌جویانه در این بخشها، سخت به گسترش فساد در دیگر بخشها می‌انجامد. (Ades & Di tella, 1999)

۳- ادبیات موضوع:

بیشتر بررسیهای تئوریک و تجربی در زمینه فساد، نشان می‌دهد که فساد اثری ویرانگر بر توسعه اقتصادی دارد. برای نمونه، میدال (۱۹۸۹)، ماورو (۱۹۹۵) و تانزی (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که فساد به رشد اقتصادی آسیب می‌رساند و یادآور شده‌اند که فساد، هدفهای دولت و چندانچون هزینه‌های دولتی را دگرگون می‌کند و روند تخصیص منابع را به سویی می‌برد که به زیان هنگفت جامعه می‌انجامد. گذشته از آن، فساد با افزایش دادن هزینه‌های اداری عمومی، مایه دلسردی سرمایه‌گذاران از بخش خصوصی می‌شود.

«اسمارزینسکا» و «وی» (۲۰۰۰) بر آنند که تفاوت سطح فساد در میان کشورها به همان اندازه تفاوت هزینه‌های نیروی کار یا نرخ مالیات بر شرکتها، در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) مؤثر است؛ به گونه‌ای که هر چه فساد در کشور میزبان بیشتر باشد، احتمال سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشور کمتر است.

همچنین، «هوانگ» و «وی» (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که در کشورهایی که فساد در آنها گسترده است، «تورم پذیرفتنی»^۳، بسیار بالاتر از مقداری است که در کشورها با سطح پایین فساد وجود دارد. بنابراین تورم یک تا چهار درصد که در کشورهای صنعتی رایج است، هدفی نیست که در کشورهای رو به توسعه که گرفتار فساد گسترده‌اند دنبال شود. از دید آنان، نرخ ثابت ارز که بیشتر بعنوان ابزار دولت برای پایین نگهداشتن تورم تجویز می‌شود، در کشورهای گرفتار فساد گسترده، با شکست روبه‌رو می‌شود. البته بررسیهای تئوریک اندکی هم وجود دارد که نشان دهنده آثار مثبت فساد در زمینه بهبود وضع اقتصادی و افزایش رشد اقتصادی است.

«لف» (۱۹۶۴) می‌گوید که فساد به اقدامات سودمند اقتصادی که در سایه سیاستهای نادرست و دیوانسالاری انعطاف ناپذیر آسیب می‌بیند، کمک می‌کند. هاتینگتون (۱۹۶۸) می‌نویسد برای رشد اقتصادی تنها چیزی که

○ گرچه افزایش دستمزدها دامنه کارهای فسادآلود را کاهش می دهد، اما ممکن است مایه در خواست رشوه های بالاتر شود، زیرا دستمزد بالا هزینه از دست رفتن کار فرد را افزایش می دهد. بنابراین افزایش دستمزدها در بخش دولتی گرچه شمار کارهای فسادآلود را کاهش می دهد، ولی همواره حجم رشوه هایی را که در خواست می شود، پایین نمی آورد.

پژوهشی، متغیرهای شهرنشینی، شمار واحدهای صنعتی، تسهیلات اعطایی بانکها و حجم بودجه استان، اثر مستقیم و شمار کارکنان دولت اثر منفی بر فساد مالی داشته است؛ اما نرخ تورم بر فساد مالی اثری معنادار نشان نداده است.

حسین میرجلیلی^۵ در مقاله خود در دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران به بررسی مهمترین عوامل فساد در اقتصاد پرداخته است. از دید او، مهمترین علتهای فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدیهای دولت در اقتصاد مربوط می شود و دربرگیرنده محدودیتهای تجاری، یارانه های صنعتی، کنترل های قیمتی، نرخهای چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، ذخایر منابع طبیعی (مانند نفت) و عوامل جامعه شناسانه است. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه گذاری و گندی رشد اقتصادی می شود؛ استعداد افراد نادرست به کار می افتد؛ درآمد مالیاتی کاهش می یابد و کیفیت زیرساختها و خدمات عمومی پایین می آید. گذشته از آن، برپایه پژوهشهای انجام شده از سوی اقتصاددانان و شواهد تجربی، مهمترین سیاستها در زمینه مبارزه با فساد اقتصادی، ایجاد نهادهایی بدین منظور، افزایش دستمزدها در بخش عمومی، کاهش اندازه بخش عمومی، حسابداری بدهی مالی، استقلال رسانه های همگانی، استقلال دستگاه قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و اصلاح فرهنگ بوروکراتیک است. در

نسبت به دستمزدها در بخش خصوصی، فساد را در کشور کاهش می دهد.

از سوی دیگر، «امانوئل انرو» و «هابتو براهو» در الگوی پیشنهادی خود که یک الگوی رشد اقتصادی است، به آثار مستقیم و غیر مستقیم فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی پرداخته اند. معادله (۱) بیانگر اثر مستقیم فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی و معادله های (۲) و (۳) نشان دهنده آثار غیر مستقیم فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی است. این آثار غیر مستقیم دربرگیرنده اثر فساد اقتصادی بر متغیرهای سرمایه گذاری و رشد جمعیت است. این متغیرها در معادله نخست نیز آورده شده و اثر مستقیم آنها بر رشد اقتصادی نشان داده شده است. عوامل مؤثر بر نرخ رشد اقتصادی در معادله نخست دربرگیرنده سرمایه، نرخ رشد جمعیت، فساد اقتصادی و درآمد ملی در سال پایه است؛ ولی در دو معادله دیگر به بررسی آثار غیر مستقیم فساد در کنار دیگر عوامل بر متغیرهای سرمایه و رشد جمعیت پرداخته شده است.

در این معادلات EG، رشد اقتصادی، COR، فساد اقتصادی، K، سرمایه (که در اینجا از سرمایه گذاری بعنوان جانشین بهره گرفته شده است)، PG، رشد جمعیت و Y، درآمد ملی در سال پایه است.

$$(1) EG_t = \alpha_0 + \alpha_1 COR_t + \alpha_2 K_t + \alpha_3 PG_t + \alpha_5 Y_0 + \varepsilon_t$$

$$(2) K_t = \alpha_0 + \alpha_1 COR_t + \alpha_2 EG_t + \alpha_3 PG_t + \varepsilon_t$$

$$(3) PG_t = \alpha_0 + \alpha_1 COR_t + \alpha_2 EG_t + \alpha_3 K_t + \varepsilon_t$$

در ایران نیز بررسیهایی در زمینه فساد اقتصادی انجام شده است. حقانی^۴ در رساله کارشناسی ارشد خود زیر عنوان «بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران»، رابطه متغیرهای اقتصادی با فساد مالی در ۲۸ استان کشور (در ۱۳۷۷) را برآورد کرده است. توزیع فساد مالی در استانهای کشور و رتبه بندی استانها برپایه شاخص های تعریف شده از فساد مالی نیز مورد توجه قرار گرفته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که در ۱۳۷۷ استان تهران با ۷۵/۲۵ درصد و استان کهگیلویه و بویر احمد با ۵۳/۰ درصد، بیشترین و کمترین برونده های فساد مالی را داشته اند. همچنین بر پایه شاخص نهایی این پژوهش، استان گیلان دارای بیشترین و استان سیستان و بلوچستان دارای کمترین فساد مالی بوده اند. در بررسی الگوهای اقتصادسنجی

برخاسته از مدرنیزاسیون اقتصاد است که بر توسعه اقتصادی اثر نمی گذارد؛ در حالی که نظریه دوم بر آن است که فساد موانعی بزرگ بر سر راه توسعه اقتصادی پدید می آورد. به هر رو، موضوع فساد در چند دهه اخیر توجه اقتصاددانان و نهادهای بین المللی را به خود جلب کرده است. در بخشهای پیشین، عوامل مؤثر بر فساد شناسانده شد و همچنین رابطه فساد با اندازه دولتها، رشد اقتصادی و برخی متغیرهای اقتصادی از دیدگاه دیگر پژوهشها بیان گردید. اینک رابطه فساد با برخی از شاخصهای اقتصادی و همچنین درجه باز بودن اقتصاد بررسی می شود.

در این پژوهش مهمترین داده های به کار گرفته شده عبارت است از: شاخص فساد (CPI)^۷، شاخص درجه باز بودن اقتصاد (O)، اندازه دولت (G) و رشد اقتصادی. رشد اقتصادی کشورهای منتخب مورد بررسی از نرم افزار بانک جهانی (WDI) گرفته شده که عبارت است از رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشورها به بهای ثابت. شاخص اندازه دولت نیز از میانگین سهم مصرف دولتی، سهم یارانه ها از GDP و سهم سرمایه گذاری دولتی گرفته می شود که از صفر تا ده است و در جدول (۱) برای چهل و شش کشور منتخب که بررسی شده اند، آورده شده است. به دیگر شاخصها نیز در زیر پرداخته شده است.

شاخص CPI که سازمان بین المللی شفافیت^۸ آنرا بر آورد و کشورهای را بر پایه آن رده بندی می کند، نشان دهنده میزان فساد اداری و سیاسی در کشورها و دیدگاه شهروندان و کارشناسان به دنیای پیرامونشان است. این شاخص میزان فساد در کشورها را از صفر تا ده رده بندی می کند که صفر به معنای بیشترین و ده به معنای کمترین فساد است. گزارش سازمان بین المللی شفافیت سالانه منتشر می شود و هر سال کشورهای بیشتری را در بر می گیرد. در ۲۰۰۵، با افزوده شدن ۱۳ کشور به آن، شمار کشورهای مورد بررسی به ۱۵۹ رسیده است. گفتنی است که روند تاریخی شاخص فساد اقتصادی را باید بر پایه مقدار آن، نه رتبه کشورها سنجید. بر پایه گزارش سازمان بین المللی شفافیت در ۲۰۰۵، از ۱۵۹ کشور مورد بررسی، ایسلند با شاخص فساد ۹/۷، نیوزیلند و فنلاند با شاخص ۹/۶ و ۸/۹ کمترین میزان فساد اقتصادی را داشته اند و پس از آنها،

○ از دید تئوریک، فساد می تواند بر اثر افزایش کیفیت کسبانی که دست به کارهای فساد آلود می زنند، کاهش یابد. بر پایه این تحلیل، ساختار قضایی در یک کشور، مهمترین عامل تعیین میزان فساد است. نقش مجازاتها در بسیاری از کشورها، بویژه هنگامی که انگیزه های سیاسی وجود داشته باشد، کم رنگ می شود.

این نوشتار به تحلیل کمی رابطه فساد اقتصادی و متغیرهای اقتصادی در ایران پرداخته شده و اثر بخشی اصلاحات اقتصادی در زمینه مبارزه با فساد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

وحید محمودی^۹ نیز در مقاله خود زیر عنوان «فساد اقتصادی و توسعه» در دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران با عنوان «اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی» به بررسی آثار فساد بر فرایند توسعه اقتصادی کشور پرداخته است. از دید او، سطح بالای فساد مالی می تواند باعث ناکارآمدی سیاستهای دولتی شود؛ پژوهشها نشان می دهد که فساد به کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد انجامید؛ فساد مالی می تواند سرمایه گذاری و فعالیتهای اقتصادی را از شکل مولد در آورد و به سوی رانتها و فعالیتهای زیرمیزی بکشاند؛ فساد مالی می تواند مایه سربر آوردن سازمانهای خطرناک مافیایی شود. فساد گسترده یکی از نشانه های ناتوانی دولت است و کارکرد نابسندة دولت می تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را کند سازد.

ع- تحلیل آماری:

در سراسر تاریخ از فساد و ریشه ها و پیامدهای آن بسیار سخن گفته شده است. در سده بیستم، دو نمونه برجسته در این زمینه، نوشته های هانتینگتون (۱۹۶۸) و میردال (۱۹۷۱) است که در آنها دیدگاههای ناهمسانی ارائه شده است. از دیدگاه نخست، فساد پدیده ای

شاخص درجه باز بودن اقتصاد^۱ که از سوی انستیتو فریزر^{۱۰} در برگیرنده ۶۸ انستیتو در ۶۸ کشور برآورد و اعلام می‌شود، ابزاری مناسب برای بررسی میزان تمرکز، انحصار و باز بودن یک کشور برای فعالیت‌های اقتصادی است. ریشه انتشار این شاخص به شاخص آزادی اقتصادی جهان^{۱۱} بازمی‌گردد که نخستین بار در کنفرانسهای مایکل واکر در انستیتو فریزر و میلتن فریدمن در بنیاد نوبل^{۱۲} در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۸۶ مطرح شد. در این کنفرانسها به بررسی معیاری برای تعیین چگونگی ارتباط سیاستها و نهادها با آزادی اقتصادی در کشورها پرداخته می‌شد. به هر رو، سرانجام در ۱۹۹۶، این شاخص برای سالهای ۱۹۷۵-۱۹۹۵ انتشار یافت. عناصر کلیدی آزادی اقتصادی عبارت است از: آزادی انتخاب فردی، تنظیم مبادلات داوطلبانه از راه بازارها، آزادی ورود و خروج از بازار و پاسداری از حقوق شهروندان در برابر تجاوز دیگران.^{۱۳}

جدول (۳) ده کشور با بیشترین کاهش در زمینه آزادی اقتصادی در ۲۰۰۶ نسبت به ۲۰۰۵

کشور	شاخص
ایران	-۰/۳
ایتالیا	-۰/۲۲
گینه	-۰/۲۲
بولیوی	-۰/۲۱
امارات متحده عربی	-۰/۲
عمان	-۰/۲
گینه بیسائو	-۰/۸۶
سریلانکا	-۰/۸۶
مصر	-۰/۸۶
السالوادر	-۰/۸۵
نیکاراگوئه	-۰/۸۵

منبع: Marc A. Miles, Kim R. Holmes, and Mary Anastasia O'Grady, (2006)

این شاخص که از صفر تا ۱۰ است، از شاخصهایی همچون ساختار قانونی کشورها، بازرگانی بین الملل، پول نیرومند، سهم دولتها و مقررات آن کشور برگرفته می‌شود که گویای استقلال و بیطرفی نظام قضایی، حقوق مالکیت، نرخ رشد پول، آزادی شهروندان،

دانمارک، سنگاپور، سوئد، سوییس، نروژ، استرالیا و اتریش در رده‌های چهارم تا دهم جای گرفته‌اند. این گزارش گویای آن است که ایران از لحاظ شاخص فساد در دستگاههای دولتی در رده ۹۳ است که در سنجش با سال ۲۰۰۴، پنج رده کاهش نشان می‌دهد. نمره ایران در این گزارش، ۲/۹ از ده بوده که در سنجش با سال پیش از آن تغییری نکرده و دامنه تغییر نمره فساد اقتصادی در ایران از ۲/۳ تا ۳/۳ اعلام شده است. ایران بر پایه گزارش ۲۰۰۴ سازمان بین المللی شفافیت، در میان ۱۴۶ کشور، در رده ۸۸ بوده است. آرژانتین، اتریش، بولیوی، استونی، فرانسه، گواتمالا، هندوراس، هنگ کنگ، ژاپن، اردن، قزاقستان، لبنان، مولداوی، نیجریه، قطر، اسلواکی، کره جنوبی، تایوان، ترکیه، اوکراین و یمن بیشترین بهبود را در ۲۰۰۵ در سنجش با ۲۰۰۴ داشته‌اند. در جدول (۱)، شاخص درجه باز بودن اقتصاد برای چهل و شش کشور منتخب آورده شده است.

در جدول (۲)، شاخص فساد برای کشورهای منتخب در ۲۰۰۶ بر پایه گزارش سازمان بین المللی شفافیت آورده شده است. ارقام جدول نشان می‌دهد که کشورهای ایسلند، فنلاند و نیوزلند همچنان بالاترین رتبه را دارند و پانزدهمین کشورها به شمار می‌روند. در برابر، پاکستان، اندونزی و فیلیپین کمترین مقدار این شاخص و بدترین رتبه را دارند. ایران نیز با شاخص فساد ۲/۷ و با ۰/۰۲ واحد کاهش نسبت به سال پیش از آن، وضع خوبی ندارد. با سنجش این شاخص در کشورها، روشن می‌شود که فساد در آسیا و آمریکای لاتین فراگیر است و به نظر می‌آید که بیشتر ریشه در ساختار دولتی اقتصاد این کشورها داشته باشد. شاخص آزادی اقتصادی نیز از شاخصهایی است که در سازمان بین المللی شفافیت بررسی و اعلام می‌شود. این شاخص از صفر تا پنج است که صفر نشان دهنده آزادترین و پنج محدودترین اقتصاد است. در ۲۰۰۶، هنگ کنگ با شاخصی برابر با ۱/۲۸ و سنگاپور با ۱/۵۶ آزادترین اقتصادها را داشته‌اند. ایران نیز در ۲۰۰۶ با شاخص ۴/۵۱ در میان ۱۵۷ کشور در رده ۱۵۶ بوده و تنها کره شمالی پس از ایران قرار داشته است. در جدول (۳) نیز نام کشورها با بیشترین رشد منفی از لحاظ این شاخص آمده است.

**جدول (۱) شاخص CPI، اندازه دولت، رشد اقتصادی و شاخص درجه باز بودن اقتصاد برای
کشورهای منتخب در ۲۰۰۵**

کشور	شاخص CPI	اندازه دولت	رشد اقتصادی	شاخص درجه بازی
آرژانتین	۲/۸۰	۷/۸	۸/۹۸	۵/۸
استرالیا	۸/۸۰	۶/۲	۳/۰۰	۷/۸
اتریش	۸/۷۰	۵/۲	۲/۲۰	۷/۷
بلژیک	۷/۴۰	۴/۴	۲/۹۰	۷/۴
برزیل	۳/۷	۶/۳	۵/۸۸	۵/۹
کانادا	۸/۴۰	۶/۶	۲/۹۰	۸/۰
شیلی	۷/۳۰	۶/۳	۶/۰۶	۷/۴
کلمبیا	۴/۰۰	۴/۷	۳/۹۶	۵/۵
دانمارک	۹/۵۰	۴/۲	۲/۴۰	۷/۷
اکوادور	۲/۵۰	۹/۰	۶/۶۱	۵/۹
فنلاند	۹/۶۰	۴/۵	۳/۷۰	۷/۶
فرانسه	۷/۵۰	۳/۱	۲/۳۰	۶/۹
آلمان	۸/۲۰	۴/۴	۱/۶۰	۷/۵
یونان	۴/۳۰	۶/۰	۴/۲۰	۶/۹
گواتمالا	۲/۵۰	۸/۵	۲/۷۰	۶/۵
هنگ کنگ	۸/۳۰	۸/۹	۸/۱۵	۸/۷
ایسلند	۹/۷۰	۵/۴	۵/۲۰	۷/۷
اندونزی	۲/۲۰	۶/۷	۵/۱۳	۶/۱
ایران	۲/۹۰	۶/۵	۶/۵۱	۶/۱
ایرلند	۷/۴۰	۵/۹	۴/۹۰	۷/۹
ایتالیا	۵/۰۰	۴/۷	۱/۲۰	۶/۶
ژاپن	۷/۳۰	۵/۶	۲/۷۰	۷/۲
لوکزامبورگ	۸/۵۰	۴/۲	۴/۵۰	۷/۸
مالزی	۵/۱۰	۵/۳	۷/۰۶	۶/۵
مکزیک	۳/۵۰	۸/۰	۴/۳۶	۶/۵
مراکش	۳/۲۰	۵/۲	۳/۴۹	۶/۱
هلند	۸/۶۰	۴/۶	۱/۴۰	۷/۷
نیوزلند	۹/۶۰	۶/۸	۴/۴۰	۸/۲
نروژ	۸/۹۰	۴/۵	۲/۹۰	۷/۳
پاکستان	۲/۱۰	۷/۳	۶/۳۸	۵/۶
پرو	۳/۵۰	۷/۵	۵/۰۷	۶/۹
فیلیپین	۲/۵۰	۷/۰	۶/۸۵	۶/۶

۷/۱	۱/۰۰	۴/۹	۶/۵۰	پرتغال
۸/۵	۸/۴۱	۸/۰	۹/۴۰	سنگاپور
۶/۹	۳/۷۱	۵/۶	۴/۵۰	آفریقای جنوبی
۷/۰	۴/۶۴	۶/۶	۵/۰۰	کره جنوبی
۷/۲	۳/۱۰	۵/۲	۷/۰۰	اسپانیا
۷/۳	۳/۶۰	۳/۰	۹/۲۰	سوئد
۸/۲	۱/۷۰	۷/۳	۹/۱۰	سوئیس
۵/۳	۳/۶۰	۴/۹	۳/۴۰	سوریه
۶/۶	۶/۰۵	۶/۷	۳/۸	تایلند
۶/۳	۵/۷۶	۵/۲	۴/۹۰	تونس
۵/۹	۸/۹۳	۷/۰	۳/۵۰	ترکیه
۸/۱	۳/۱۰	۶/۵	۸/۶۰	انگلستان
۸/۲	۴/۴۰	۷/۸	۷/۶۰	امریکا
۴/۳	۱/۳۳	۵/۹	۲/۳۰	ونزوئلا

منبع: سازمان بین‌المللی شفافیت، بانک جهانی، انستیتو فریزر ۲۵۰

جدول (۲) شاخص فساد در ۲۰۰۶ برای کشورهای منتخب

کشور	شاخص	کشور	شاخص	کشور	شاخص
آرژانتین	۲/۹	هنگ کنگ	۸/۳	پرو	۳/۳
استرالیا	۸/۷	ایسلند	۹/۶	فیلیپین	۲/۵
اتریش	۸/۶	اندونزی	۲/۴	پرتغال	۶/۶
بلژیک	۷/۳	ایران	۲/۷	سنگاپور	۹/۴
برزیل	۳/۳	ایرلند	۷/۴	آفریقای جنوبی	۴/۶
کانادا	۸/۵	ایتالیا	۴/۹	کره جنوبی	۵/۱
شیلی	۷/۳	ژاپن	۷/۶	اسپانیا	۶/۸
کلمبیا	۳/۹	لوکزامبورگ	۸/۶	سوئد	۹/۲
دانمارک	۹/۵	مالزی	۵	سوئیس	۹/۱
اکوادور	۲/۸	مکزیک	۳/۳	سوریه	۲/۹
فنلاند	۹/۶	مراکش	۳/۲	تایلند	۳/۶
فرانسه	۷/۴	هلند	۸/۷	تونس	۴/۶
آلمان	۸	نیوزلند	۹/۶	ترکیه	۳/۸
یونان	۴/۴	نروژ	۸/۸	انگلستان	۸/۶
گواتمالا	۲/۶	پاکستان	۲/۲	امریکا	۷/۳

منبع: گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در ۲۰۰۶

نموداری، بررسی و تجزیه و تحلیل شود. برای بررسی آماری رابطه درجه باز بودن اقتصاد و شاخص فساد اقتصادی، داده‌های مربوط به کشورهای منتخب در ۲۰۰۵ در نمودار (۱) آورده شده است. محور افقی، شاخص درجه باز بودن و محور عمودی، نشانگر شاخص CPI است. چنان که در این نمودار دیده می‌شود، میان آنها پیوندی مستقیم برقرار است، یعنی هر چه کشورهای اقتصاد بازتری داشته باشند، از فساد اقتصادی کمتری رنج می‌برند. خط روند میان این دو شاخص نیز گویای همین نکته است.

در جدول (۴)، عناصر تشکیل دهنده شاخص درجه باز بودن به همراه شاخص فشرده (شاخص درجه باز بودن) برای ایران آورده شده است. همچنین در ستون پایانی، رتبه ایران از ۱۰۰ برآورد شده است. چون برای هر یک از زیرشاخصها، شمار کشورها متغیر بوده، رتبه ایران نیز بخش بر شمار کشورها و درصد ضرب شده است. بدترین رقم مربوط به انحراف معیار تعرفه‌ها و اعطای اعتبار (دریافت نسبه) است. همچنین شاخصهایی همچون اندازه دولت، سهم پرداختهای انتقالی و یارانه‌ها از GDP و بالاترین نرخ مالیاتی نیز کمابیش بالا است. بر سرهم، شاخص جمع بندی شده برای کشور ما ۶ بوده که رتبه ۳۵ را از ۱۰۰ برای کشور مارقم زده است.

همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، جوامعی که بخش به نسبت بزرگی از فعالیتهای اقتصادی‌شان در دست دولت بوده، نتوانسته‌اند در سایه بوروکراسی دست و پاگیر، رانت جویی، فساد و ناکارایی به رشد اقتصادی چشمگیر برسند. این پژوهش نیز برای تأیید نظریه‌های مطرح شده، بر پایه آمارهای درست‌ترس به تحلیل آماری پرداخته است. در نمودار (۲)، محور عمودی بیانگر رشد اقتصادی کشورهای منتخب و محور افقی نشان دهنده اندازه دولتها (نسبت هزینه‌های دولتی به GDP) است. در این نمودار به روشنی دیده می‌شود که کشورهای که اندازه دولت در آنها کوچکتر (نزدیک به پانزده درصد) است، نرخ بالاتری از رشد اقتصادی (بیش از پنج درصد) در سنجش با کشورهایی دارند که دولت در آنها بزرگتر است. بیشتر کشورهای دارای اندازه بیش از هفده درصد با نرخ رشد پایینتر از سه درصد و حتی برخی از آنها با نرخهای نزدیک به صفر روبه‌رو بوده‌اند. پس بر پایه این تحلیل می‌توان رابطه‌ای معکوس

○ در کشورهای که فساد در آنها گسترده است، «تورم پذیرفتنی»، بسیار بالاتر از مقداری است که در کشورها با سطح پایین فساد وجود دارد. بنابراین، تورم یک تا چهار درصد که در کشورهای صنعتی رایج است، هدفی نیست که در کشورهای رو به توسعه که گرفتار فساد گسترده‌اند دنبال شود.

درآمدهای مالیاتی بین‌المللی، نرخ تعرفه‌ها، نسبت سرمایه‌شهروندان در خارج به دارایی بیگانگان در داخل، رقابت بانکها، کنترل نرخ بهره، بیمه‌های بیکاری، مقررات بازرگانی، کنترل قیمتها، مقررات بازار کار... است. این شاخص در پنج بخش کلی به صورت زیر نمایش داده می‌شود که هر یک زیر بخشهایی دارد. بر سرهم ۳۸ زیربخش وجود دارد که هر یک از صفر تا ۱۰ محاسبه شده است.

- اندازه دولت: هزینه‌ها، مالیاتها و دادوستدهای بازرگانی

- ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت

- دسترسی به پول نیرومند

- آزادی بازرگانی بین‌الملل

- مقررات اعتباری، قانون کار، مقررات بازرگانی.

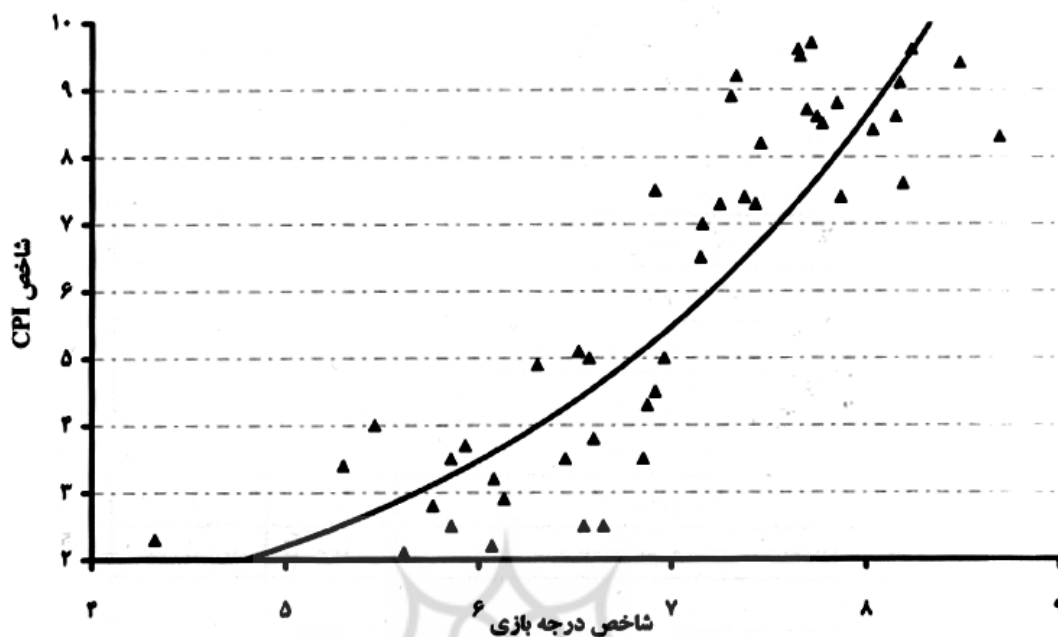
بر پایه جدول (۱)، در ۲۰۰۵ هنگ کنگ با شاخص ۸/۷ دارای بازترین اقتصاد بوده و سنگاپور، نیوزیلند، سوئیس، ایالات متحده، انگلستان، کانادا، ایرلند و استونی در رده‌های پس از آن قرار داشته‌اند. ایران با شاخص ۶/۸ در رده ۷۸ در میان ۱۲۷ کشور جای داشته است و میانمار، زیمبابوه و ونزوئلا با شاخصهای ۲/۸، ۳/۳ و ۴/۳ در پایین جدول قرار گرفته‌اند. بر پایه آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بیشتر موارد، هر چه آزادی اقتصادی بیشتر باشد، فساد کمتری پدید می‌آید و برعکس. برای بهتر دریافتن این نکته، باید رابطه این دو شاخص، نخست از دید آماری و

جدول (۶) شاخص درجه باز بودن اقتصاد و اجزای آن برای ایران

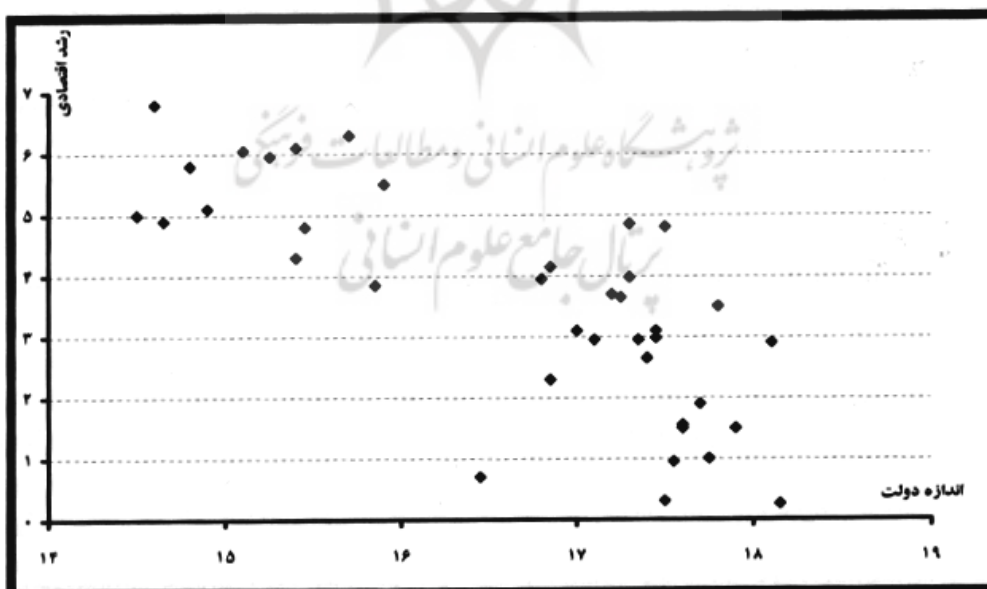
رتبه از ۱۰۰	مقدار	عنوان
۳۰	۴/۶	سهم مصرف دولت از کل مصرف
۸۰	۹/۵	سهم پرداختهای انتقالی و یارانه‌ها از GDP
۴۳	۴/۰	سهم سرمایه‌گذاری دولتی از کل سرمایه‌گذاری
۷۲	۸/۰	بالاترین نرخ مالیات بر درآمد
۸۱	۸/۰	بالاترین نرخ مالیات بر درآمد و دستمزد
۷۸	۸/۰	بالاترین نرخ مالیاتی
۶۵	۶/۵	اندازه دولت
۵۴	۴/۹	بیطرفی دادگاهها
۵۸	۸/۳	نظامی‌گری در اتخاذ سیاستها
۵۳	۶/۷	قوانین و احکام
۵۷	۵/۹	حقوق مالکیت
۱۲	۷/۰	میانگین رشد واقعی پول
۳۱	۸/۶	انحراف معیار سالانه تورم
۱۱	۷/۱	تورم سالانه
۶۹	۱۰/۰	آزادی افتتاح حساب شهر و ندان در بانکهای خارجی
۴۷	۸/۲	پول قوی
۳۵	۸/۰	درآمدهای مالیاتی از بازرگانی بین‌المللی
۷۵	۹/۰	میانگین نرخ تعرفه‌ها
۹۳	۸/۳	انحراف معیار نرخ تعرفه‌ها
۷۲	۸/۴	تعرفه‌ها
۵۹	۵/۵	اندازه واقعی بخش بازرگانی در برابر اندازه انتظاری
۶	۷/۴	اختلاف نرخ رسمی ارز از نرخ بازار سیاه
۱۱	۰/۰	شاخص کنترل سرمایه
۷	۰/۰	کنترل بازار سرمایه بین‌المللی
۱۵	۵/۳	آزادی برای بازرگانی بین‌المللی
۹۳	۹/۷	اعطای اعتبار
۵	۴/۸	مقررات بازار اعتباری
۹	۲/۰	کنترل قیمتها
۲	۳/۹	مقررات
۳۵	۶/۰	شاخص فشرده (شاخص درجه بازی)

منبع: سازمان بین‌المللی شفافیت

نمودار (۱) - رابطه شاخص CPI و درجه باز بودن اقتصاد برای کشورهای منتخب در ۲۰۰۵



نمودار (۲) رشد اقتصادی و اندازه دولت در کشورهای عضو OECD با درآمد بالا (۲۰۰۴-۱۹۷۴)



منبع: شاخص های توسعه جهانی

○ جوامعی که بخش به نسبت بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی‌شان در دست دولت بوده، نتوانسته‌اند در سایه بوروکراسی دست و پاگیر، رانت جویی، فساد و ناکارایی به رشد اقتصادی چشمگیر برسند.

دارد.

۵- نتیجه گیری:

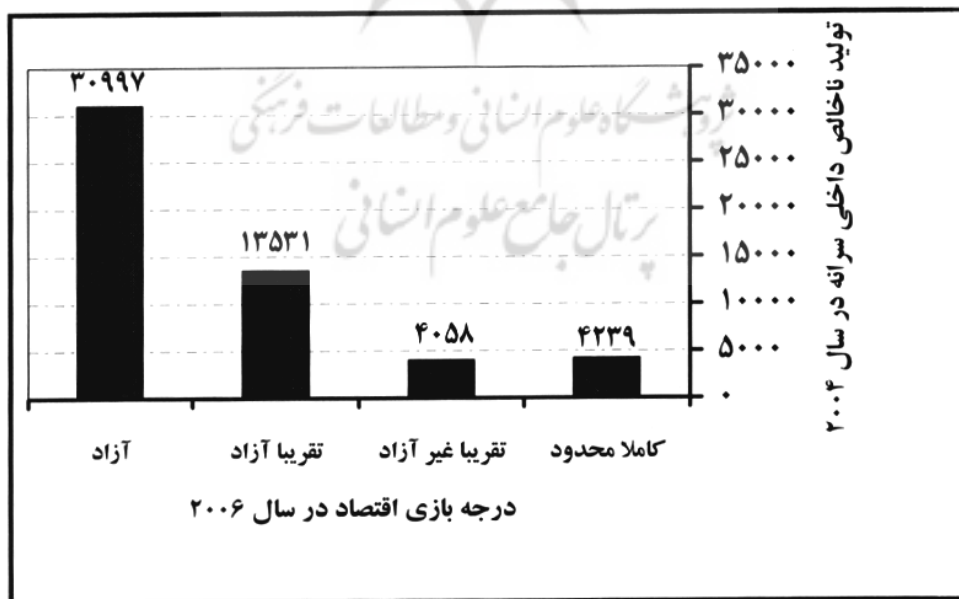
فشرده یافته‌های این پژوهش عبارت است از:
 - رابطه درجه باز بودن اقتصاد و فساد اقتصادی رابطه‌ای معکوس است، یعنی کشورها با آزادی اقتصادی بیشتر، فضای سالمتری دارند.
 - رابطه معکوس میان اندازه دولت و رشد اقتصادی وجود دارد، یعنی متورم شدن دولت‌ها به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد.
 - رابطه درجه باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی، رابطه‌ای مستقیم است، یعنی افزایش آزادی اقتصادی

میان این دو شاخص برای کشورهای منتخب در نظر گرفت.

پس از بررسی رابطه فساد با آزادی اقتصادی و همچنین رابطه اندازه دولت با رشد اقتصادی، لازم است رابطه رشد اقتصادی با آزادی اقتصادی نیز مورد تحلیل آماری قرار گیرد. بدین منظور در چارچوب نمودار (۳) رابطه تولید ناخالص سرانه در ۲۰۰۴ با درجه باز بودن اقتصاد در ۲۰۰۶ بررسی شده است. چنان که دیده می‌شود، کشورهای که تولید ناخالص سرانه در آنها بسیار بالا است، اقتصادی بسیار آزاد دارند. از سوی دیگر، کشورهای با تولید ناخالص سرانه پایین، آزاد نیستند یا سخت محدودند. پس بر پایه این نمودار نتیجه گرفته می‌شود که رابطه آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی، رابطه‌ای است مستقیم.

همان گونه که گفته شد، فساد اقتصادی با رشد اقتصادی و همچنین رشد اقتصادی با اندازه دولت رابطه معکوس دارد. بر این پایه، نتیجه گرفته می‌شود که اندازه دولت و فساد اقتصادی باید رابطه‌ای مستقیم داشته باشند. این نکته در نمودار (۴) آورده شده است. پس هر چه دولت‌ها کوچکتر باشند (شاخص اندازه دولت کوچکتر از ۶ باشد)، فضای سالمتری در کشور وجود

نمودار (۳) رابطه تولید ناخالص داخلی سرانه و درجه باز بودن اقتصاد. ارقام به دلار



منبع: گزارش سالانه سازمان بین‌المللی شفافیت (۲۰۰۶)

ساختن خدمات عمومی، استقرار نهادهای اقتصادی و پدید آوردن فرصتهای مناسب برای بهره‌گیری درست از منابع و همچنین توزیع بهتر، از مهمترین وظایف دولت بویژه در کشورهای رو به توسعه است. با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴، انتظار می‌رود نقش دولت در اقتصاد منطقی‌تر و انحصارهای دولتی شکسته شود و حضور بخش خصوصی در اقتصاد برای افزایش کارایی، پررنگتر شود. امید است با اجرای این سیاستها، گذشته از اصلاح ساختار دولت، شاخص درجه‌باز بودن اقتصاد و در پی آن رشد اقتصادی کشور بهبود یابد.

یادداشت‌ها

۱. کردلو، محمدرضا (۱۳۸۴)، «فساد مالی»، فصلنامه دانش حسابرسی، بهار و تابستان ۱۳۸۴، دیوان محاسبات کشور. ۲. باردان (۱۳۷۸)

3. The Optimal Inflation forget

۴. حقانی، فتح‌الله (۱۳۷۹)، بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

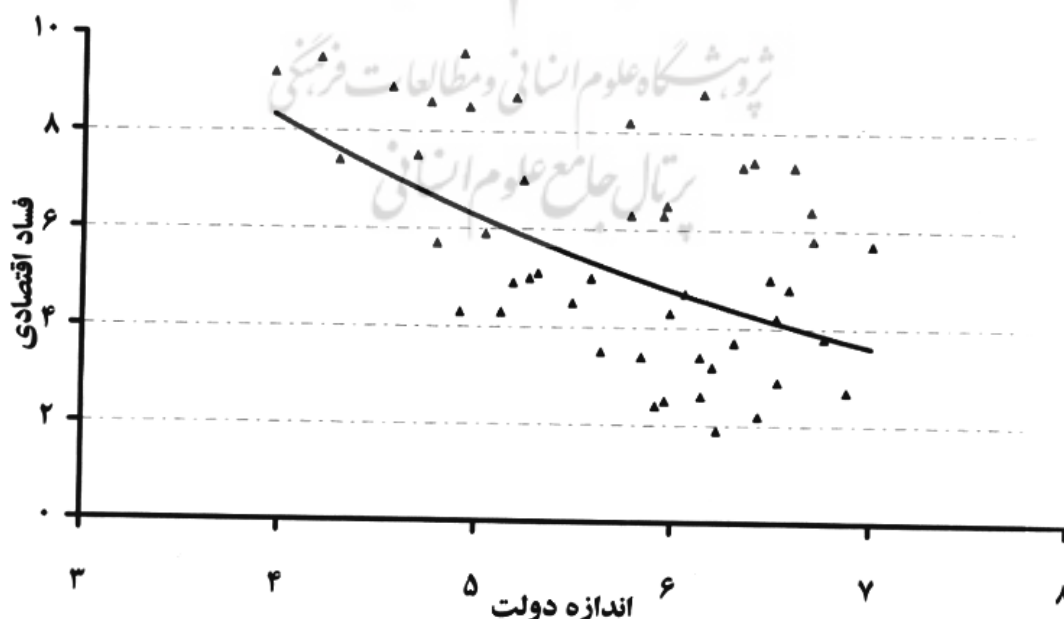
۵. میرجلیلی، حسین (۱۳۸۱)، «فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران»، دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران «اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی»، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.

به رشد اقتصادی کشور می‌انجامد.

- رابطه اندازه دولت و فساد اقتصادی مستقیم است، یعنی بزرگ شدن دولتها، با افزایش فساد اقتصادی همراه بوده است.

از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که فساد، بیشتر در کشورهایی مشکل‌ساز می‌شود که گذشته از بزرگ بودن دولت، شاخص درجه‌باز بودن اقتصاد مطلوب نیست. از آنجا که این دو عامل با ساختار بوروکراتیک و زیرساختهای قضایی و مسائل اجتماعی-فرهنگی جامعه پیوند دارد، باید برای از میان برداشتن این موانع تلاش کرد. بدین منظور، گذشته از اصلاح ساختار اداری کشور، باید اندازه بهینه دولت را برای اقتصاد ایران به دست آورد و رسیدن به دولت بهینه را بعنوان يك راهبرد ملی پیگیری کرد. دوناگرش افراطی دولت حداقلی و دولت حداکثری، در عمل کار بردی چشمگیر ندارد و گرایشهای عمومی بیشتر به سوی دیدگاههای میانی است. دیگر گونیهای اقتصادی و اجتماعی در دهه اخیر بویژه در کشورهای رو به توسعه نیز گویای آن است که دولت کارآمد و توسعه‌خواه برای پاک‌گرفتن نهادهای کارساز در زمینه توسعه لازم است. از این رو کاهش شکافهای اجتماعی و اقتصادی و نیز برقراری امنیت برای رسیدن به هدفهای توسعه اقتصادی و فراهم

نمودار (۴) رابطه اندازه دولت و فساد اقتصادی برای کشورهای منتخب در ۲۰۰۵



- Graeff, p. & Mehlkop, G (2003), "The impact of economic freedom on Corruption: Different Patterns for Rich and Poor Countries", **European Journal of Political Economy**, 2003, 19: pp 605-20.
- Gray, Cheryl & Dariel Kawfmom (1998), "Corruption and Development", **Finance & Development**, pp. 7-1-, March 1998.
- Huang, Haizhou & Shang- Jin wei - (2003), "Monetary Policies for Developing Countries: The Role of Corruption", NBER Working Paper 10093, [http://www.nber.org/](http://www.nber.org/Papers/w10093), Papers w 10093.
- Li, Hongyi & Xu, Lixin & Zou, Heng (2000), "Corruption, Income Distribution and Growth", **Economic and Politics**, Volume 12, No: 2.
- Mauro, Paolo. (1997), "why worry About Corruption?", **International Monetary Fund, Economic Issues** b.
- Mouro, Paolo. (1995), "Corruption and Growth", **The Quartely Journal of Economics**, pp 681-712, August 1995.
- Myrdal, Gunnar (1989), "Corruption: Its Causes and Effects", **Political Corruption A Handbook**, Transaction Publishers, pp 953-962.
- Neeman, Zvika & Paserman, Daniele (2003), "Corruption and Openness", **SSRN: <http://ssrn.com/abstract=433262>**.
- Sepulveda, Facunda & Mendez, Fabio (2000), "Corruption and Growth: Theory and Evidence", econrsss.anu.edu.au/Staff/sepulveda/pdf/cv-feb03.pdf.
- Sepulveda, Facunda & Mendez, Fabio (2001), "Is Corruption Harmful to Growth? Evidence from a Cross- Section of Countries", <http://econrsss.anu.edu.au/Staff/sepulveda/pdf/corrupt2>.
- Smarzynska, Beata K. & Shang- Jin Wei (2000), "Corruption and Composition of Foreign Direct Investment: Firm-Level Evidence", NBER Working Paper No. 7969, Available online at <http://www.nber.org/papers/w7969>.
- Tanzi, Vito (1998) "Corruption Around the world: Cawses, Consequences, Scope, and Cures", **IMF Staff Papers** 45 (4): pp: 559-94
- Tanzi, Vito and Hamid Davoodi, (1997), "Corruption, Public Investment and Growth". **IMF Working Paper**, WP/97/139, October 1997.
- Van Rijckeghem, Cardina & weder, Beatrice (2001), "Bureaucratic Corruption and the Rate of Temptation: Do wages in the civil service affect corruption, and by How Much?", **Journal of Development Economics**, 2001, 65, pp. 307-31.

۶. محمودی، وحید (۱۳۸۱)، «فساد اقتصادی و توسعه»، دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران «اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی»، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.

7. Corruption Perception Index
8. Transparency International (TI)
9. Openness
10. Fraser Institute
11. Economic Freedom of the World (EFW)
12. Nobel Laureate
13. TI, **Economic Freedom of the World: 2006 Annual Report**.
14. **Economic Freedom of the World, Annual Report 2005**, Copyright ©2005 by The Fraser Institute.

منابع:

- باردان، پیراناب (۱۳۷۸)، «فساد اداری و توسعه»، ترجمه جواد روحانی رصاف، برنامه و بودجه، شماره ۴۲.
- حقانی، فتح الله (۱۳۷۹)، «بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- کردلو، محمدرضا (۱۳۸۴)، «فساد مالی»، فصلنامه دانش حسابرسی، بهار و تابستان ۱۳۸۴، دیوان محاسبات کشور.
- میرجلیلی، حسین (۱۳۸۱)، «فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران»، دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران با عنوان «اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی»، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱)، «فساد اقتصادی و توسعه»، دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران.
- Ades, Alberto & Di Tella, Rafael (1999), "Rents, Competition and Corruption", **American Economic Review**. 89 (4), pp: 982-93.
- Ali, Abdiweli & Isse Hodan (2003), "Determinants of Economic Corruption: a Cross- Country Comparison", **Cato Journal**, Vol:22, No: 3.
- Brunetti, Aymo, & weder, Beatrice (2003), "A Free Press is Bad News for Corruption", **Journal of Public Economics**'97, pp: 1801- 1824.
- Fraser Institute, (2005), **Economic Freedom of the World, Annual Report 2005**, Copyright © 2005 by the Fraser Institute.
- Fisman, Raymond, & Jakob Svensson. (2001). "Are corruption and taxation really harmful to growth? Firm Level Evidence", **Journal of Development Economics**, IIES, Stockholm University, Processed. (<http://www.iies.su.se/~svenssoj/corrgrowth.pdf>).